

و در لذت طیار مدل نمای موقتی

جوره، آهسته‌تر [۲۰] — فرانز فریتیش آنده وارد اولان میتواند
از بزرگی کن درجه طیارکاری ملوده طور عین از دین پیش بروید. طیاره‌های
موافق آنکه بومباری آتشیده. آنکه کشیده خاف اولانی امدادی در راه
نهاده مصادمات دوام اندیور

خوده ۳ آغستوس (م آ) — [کیکندر] بی پاریز بی شرکت تا خود را داشت بلکه بیوده
از همان کنفرانس قدر اینکه بصر خود را خود نمایند دشمن فرمانی آزاد نمایند کی مصادفات دوام افکار خود را
بگزرا کرده باشند و این دشمن فرمانی آزاد نمایند کی مصادفات دوام افکار خود را

مایلات و ضعیت دویانه مطیوعانی

برن، ۲) افتخار [ق] - (بونه) غنیمتی و خوبیت همکریدن بعثت ایندیگ سرمهده
ارزوه داشتند این خود را باز، رف دیبور که: «باقار» و صورتی از
و خوبیت همکریدن بعثت ایندیگ سرمهده دو و خوبیت بعثت
همیشی باش اوله اینقدر.

اوچ سارندن بعلط اولاده رومانیا دول مرکز و ایله بودو لیتوانیک باقیانیل متفقین شد
بر جزو منه میتوانیم قدر دیگر که میتوانیم ایله استلاف ایله عزل کرد و حرکت اینه که
آنقدر بوده حرکتیه بدلات کندیم علیکه مثبت خواسته استفال ایش اولینیه کورد و بیکار
رومایا و خوبیت جنرالیه نظر آمیز رومانیا از دو صی کندیم قوتیه خود را که قام عزلیه
سلما طاغیت و هزار . بالعکس رومانیا مشکل ایله کندی از اضطرابه و حرب ایچ که بیور اویه جنی
کی بیور ایده ده رویه که قوتی عزم ظاهر نماید . بیکار قاتله بودند . بیکارش بیور دنله بالش ادون
ها بیولک ها که کلر میتوانیم . رومانیا بیکاره میباشد که آنلاه آوسنیریا ، بیمارستانی
لداریه تاکه و همانی قوتیه ایزیزیه بیکاره ایچ که حالیه (ساقونیا) نمای بی
سته بیماره بسته دوپیار اوله ایم و ضمیمه کرفتا اوله بقدیم . تاکه ده رومانیان مذاخنه می
کندیم ایچ که غایت و نیم عماله بیکاره داعی اوله بحق و مع مافیه کندی قوتیه نسبتیه حریه
در بیهوده و نهادر اجرای ناشی ایده بیکاره بیکاره غایت منکرات قاتله بقدیم .

آنکاره تاریخی مشتمل بر حرکت

روزگارم)؛ آفستوس [۵] — (بیو قوداوت) دیپوره: «انکاتر» طرفندی بوروچ
واهره عج بالمهیونه قارشی اخذا خل حرکت، انکاتر دجه ایجا اولان عیرقابل عمل
قو نزوله قادرشی بی طرفه مشغله بوقشت اجراءی فماتنک حلول ایاض او لدنه آیات اپیور.
انکاتر که بونسل جرکی قارشونه (لوئی بیور) لک انکاتر اردوهنه خطاپا نسرا اندیک
پیاسا مهدو انکاتر، لک دکتر لرک سر زندگی آوز و سرمه، بولند یعنی بیان اپلی اسپرزا ایله

ارلاندالی سندو ڈل آرٹی، جکہ میر طم عاصم

آگردم ۲ آگستوس [۷] — بودرودی: ارلاندزه (دوبلن) پیغمبر حرام فارسیان
پراندا نایب و نایبیت فرقه: بسطا ایکلتره قبیله هندی طرزدار او لدیش پیمان ایهولک: د برق
همایی: قایینده رقیب ارلد فرقه کیم براونله قایینده دو شور عک ایچوره هر هر چند: ایهولک
بلو سک ۲۳ د ۱۹۷۸

الرحلة الخامسة

آن شرکت را که میتواند از این نویسندگان بخوبی استفاده کند، میتواند در اینجا آنها را معرفی کند. این نویسندگان عبارتند از: ۱- میرزا حسن (پسر علی‌الله علی) که در اینجا معرفت شده است. ۲- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا حسن) که در اینجا معرفت شده است. ۳- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است. ۴- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است. ۵- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است. ۶- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است. ۷- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است. ۸- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است. ۹- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است. ۱۰- میرزا علی‌الله علی (پسر میرزا علی) که در اینجا معرفت شده است.

ک روں قایمیتہ سندھ عنوٹ اولیاں دو میں الی
نکلیز آدمی اولاد یا سو نوٹ اپنیں پائندے
بکلمہ می مناسیتی اپنے شو آئیں سور لوٹ
سرف اپنے بور : د چار بیٹو لا نتلاز تھے اھانت
تک ایکروں انکھاتر مدنگ اسہر ارض اپنے دیکی ملکوڑ
بیلیار در بھنک درو دیس بکھل اور میش :

19. *Leucosia* *leucostoma* (Fabricius) *leucostoma*

مِنْهُ آنَّ

حدد، هیئت کی منق احاسن او زرینه نشکل
ایتش اولانه هیئت آرامنده داخلی امتحان میز الله
پا خانه موظفین را کار ده سوکرا ظهور اینسی
پک طبیعی برو حاده در، انگافره، دوستیه
و فرانسه کی معنا و ماده امتحان اینلری قابل
او له بیا و لکن صرف آلمانیه قارشی بسله نیان کیل
و عداوت طولانیه برگشته بولانه عناصر
آرامنده آردیه و بیوک بر سی و خیرتک
موقتیتر لکله نیجه انسی غفینه ظهور اینه
اختلاف بولانه در، بونسله نظر ده بوسنده
سکن سنه نام بوزمانه در جریانه ایده حاده از ک
تکردنی کودکه بز، استلایفلر، سکن سنه ده
هموی و مستقرکه بز تعریض اجرا ایندیلر،
او زمانه تعریض صالحی، جنایت آلمانیه بیده احتوا
ایه بوردی و جنایت قلعه ده پک مشغول اولانه
انگافرلر، او زمانه غرب جمهوری تعریض لریه
یو سنه کی قدر اشتراک اینیورزی، بو هموی
تعریض، معلوم او له بی و چهله، شرقه و وسلیک
اضحیانی و غریبه فرانزی هدم مو قبیطی
ایله نیجه اندی، بو حاده، داتا آهنگنکدار
او لیانه متغیر آرامنده عظیم برخلاف وجہ
او لهی، هر کس ارقداشنی اتهامه قالفتیه
فرانزی، انگافرلری، انگافرلر و وسلیک
معماوه او زمانه انگافره هنوز بتوه فوایضی
و پاده لری صرف اتهه مثده، بودلت هر کسده
زیاده محاره نکه امتدادی آرزو ایندیک جهنه
هتفقلری پاره ایه ویک بک کنله راحضر ایده جیکی
مو اعدی ایه بودجه بقدر تعیین ایده اندی،
و وسلیک پاره رمههات و هدیه و فرانزی ده
مسکری مکلفت قانونی ببول سودلریه آروندی
و ف اینیقه رویه و برمش او له بین عظم مقدارده
پاره و مهمانه واسع پوشیده بیوک بیغینلرک
تکرار نشکل اینه سنه سبب اندی، کند ایسی ده
مکافیت قانونی قبول ایده ده طوبلاه بیله بکی
آدمیه جیمه ره سوق ایندیه، بو سایه ده
انحال ایه او زده اولانه استلاف هیئتله
تکرار جانلائی ناین ایندی، استلاف
مطبوعانی پرنشه، اهالی بیوک بیوک امیدز
و برمکه باشلا دی، هر کس اجرا اولنه حق

دَلِيلٌ

اپراغ ایم و جکر، با خواصه انگلیز لر ایموده تقدیر
دلمبریب خیال لر ؟

فقط ایشته او سوچه تعریض اجرا او آنده .
شرق و غرب ده آبراره دوام ایند کده سو کرده،
آلانلر غرب ده پا سرد سکاه کلو و تردانی
هر مساقیه ده، و شر قند و دیده جزو اونده، تو زیور لر .

حالو که احتمار اولنایه ایشان کنه لویه،
و هدایات هب تو کنه اور زرده، خیالات
ایله بوده هش حقیقت آزاده، که نهاده دو خلر .

ایله بوده (۰۵) بیلوبه او فانق — بوکونک
نخود خیلاق و عزیزیکن فر لایله، ایله ده
ایله بیلوبه، ایله شر سبزیق نکه نایرویه
او زرده، داشتی عدم ایلاح یا مالاق
بوکونکه بوکونکه داشتی، پترسیزه، ایمکنیز
صفیری پیاری ده، خیاله ایلام ایمیور ده،

